

بررسی اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» بر پایبندی مذهبی و تصور از خدا در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

فهیمة جمالی راد،^۱ علیّه رضاداد^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تحلیل اثرات یک برنامه آموزشی مبتنی بر اندیشه کرامت انسانی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و مفاهیم روان‌درمانی، بر پایبندی مذهبی و تصویر ذهنی از خدا در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان طراحی و اجرا شد. **روش‌شناسی:** این مطالعه به شیوه نیمه‌آزمایشی و با طرح پیش-پس‌آزمون تک‌گروهی روی نمونه‌ای مشتمل بر ۴۱ دانشجوی دختر انجام شد. ابزارهای استفاده‌شده شامل پرسشنامه پایبندی مذهبی (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸) و پرسشنامه تصویر ذهنی خدا (GLL) بود. این مداخله شامل ۱۶ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بود و بر مفاهیم دینی کرامت انسانی با تأکید بر آیات قرآن کریم و اصول روان‌شناسی مثبت‌نگر تمرکز داشت. تحلیل داده‌ها از طریق آزمون تی همبسته و نرم‌افزار اس.پی.اس.اس انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج آماری نشان داد که برنامه آموزشی به طور معناداری موجب افزایش پایبندی مذهبی دانشجویان شد. همچنین، تصویر مثبت از خدا با افزایش محسوس سه بُعد «حضور خدا»، «مراقبت الهی» و کاهش «تصویر منفی از خدا» بهبود یافت. علاوه بر این، درجات دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی به طور معناداری کاسته شد. **نتیجه‌گیری:** برنامه آموزشی مبتنی بر کرامت انسانی که تعامل بین آموزه‌های قرآنی و مفاهیم روان‌شناسی را در بر می‌گیرد، به عنوان مداخله‌ای اثربخش در توسعه دینداری پایدار و اصلاح تصویر ذهنی از خدا در میان دانشجویان شناخته شد. یافته‌ها بر ضرورت قرار گرفتن این نوع آموزشها در نظام دروس تربیت و معارف اسلامی، به منظور تقویت بنیادهای معنوی و اخلاقی جوانان، به ویژه دانشجویان معلمان، تأکید دارند.

واژگان کلیدی: کرامت انسانی، پایبندی مذهبی، تصویر ذهنی از خدا، روان‌شناسی دین، آموزش مبتنی بر قرآن.

◇ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، کارشناس ارشد مشاوره خانواده؛ استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران (نویسنده مسئول). f.jamalirad@cfu.ac.ir
۲. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران. a.rezadad@cfu.ac

الف) مقدمه

در جهان معاصر که با چالشهای پیچیده‌ای مانند بحران معنویت، فردگرایی افراطی و گسست از ارزشهای اخلاقی مواجه است، بررسی نقش عوامل روان‌شناختی در تقویت پابندی مذهبی و تصور از خدا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. امروزه، با گسترش چالشهای هویتی و معنوی، به ویژه در میان جوانان، توجه به تقویت این دو مؤلفه کلیدی در سلامت روان و تعالی اخلاقی، ضرورتی انکارناپذیر است. پابندی مذهبی به عنوان مجموعه‌ای از شناختها، احساسها و تمایلات نسبتاً پایدار و ثابت نسبت به دین تعریف می‌شود که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد و در کنشهای وی نسبت به خداوند، خود، جامعه و تاریخ تجلی می‌یابد. در تعریفی ساده‌تر می‌توان گفت دینداری پذیرش تمام یا بخشی از عقاید اخلاقیات و احکام دینی است؛ به نحوی که شخص دیندار، خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۷۹). به طور کلی، پابندی مذهبی، به عنوان یک سازه چندبعدی روان‌شناختی - اجتماعی، نه تنها بازتابی از باورها و اعمال دینی فرد است؛ بلکه به عنوان یک نظام معنابخش، نقش محوری در شکل‌دهی به هویت (اسیلکا و همکاران، ۱۳۹۰) و تنظیم هیجانات (ویشکین^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۰۷۴-۱۰۵۰) ایفا می‌کند و با سلامت روان و رضایت از زندگی رابطه‌ای مستقیم دارد (حسنوند، ۱۴۰۰: ۹۳-۹۲). تصور از خدا نیز به عنوان یک سازه روان‌شناختی کلیدی، اولین بار توسط رابینز (۱۹۷۹) بررسی شد. مطالعات روان‌شناسی دین با تکیه بر نظریه‌های دلبستگی نشان داده‌اند که تصور فرد از خدا می‌تواند به عنوان یک پایگاه ایمن عمل کند که در مواجهه با بحرانهای زندگی، منبع آرامش و حمایت عاطفی محسوب می‌شود (امیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۵؛ فیض‌آبادی و خسروی، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۷). برخی پژوهشها رابطه بین تصویر ذهنی از خدا و سلامت روان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که خداپنداره فرد، تأثیر عمیقی بر سلامت روان دارد (عزیزی معین و همکاران، ۲۰۲۳: ۳۳). این تصویر ذهنی که در پژوهشها با مفاهیمی مانند «خداپنداره» یا «تصویر ذهنی از خدا» مطرح شده، می‌تواند هم به شکل مثبت (مهربان و حمایتگر) و هم منفی (سختگیر و تنبیه‌گر) ظاهر شود و تأثیرات متفاوتی بر سلامت روان داشته باشد (سرآبادانی تفرشی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۷: ۵۳). تصور مثبت نسبت به خداوند مانند تصور خداوند مهربان، نزدیک به فرد و حمایت‌کننده، با کاهش اضطراب و افسردگی همراه است. در عین حال، تصور منفی از خداوند به عنوان خداوند سختگیر و تنبیه‌کننده، موجب افزایش

بررسی اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو...» ۱۱۳

اضطراب، نارضایتی و افسردگی می‌شود. (برام^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۲۱؛ نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹-۵۸؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۸)

در این میان، آموزه‌های قرآنی درباره «کرامت انسانی» می‌تواند پلی بین مفاهیم روان‌شناسی و مبانی دینی ایجاد کند. کرامت، صفتی کمالی به معنای نزاهت از پستی و فرومایگی و کریم، روح بزرگوار و منزّه از هر پستی است (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۲۱). قرآن کریم با تأکید بر آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)، کرامت ذاتی انسان را به عنوان موهبتی الهی معرفی می‌کند که اساس عزت نفس، خودارزشمندی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی است. از منظر روان‌شناسی انسان‌گرا، این مفهوم با مؤلفه‌های خودشکوفایی، تحقق خویش‌شنی و نیاز به احترام پیوند می‌خورد (میری و خادمی افضل، ۱۳۹۸: ۶۲-۵۹). به عبارت دیگر؛ وقتی فرد خود را موجودی کریم و ارزشمند در نظام هستی می‌پندارد، این خودپنداره مثبت، همسو با تصور از خدای عادل و مهربان، می‌تواند به تقویت پایبندی مذهبی اصیل و ایجاد رابطه‌ای سالم با مفهوم الوهیت منجر شود. بررسی ارتباط بین خودپنداره و خداپنداره در درمان مذهبی - معنوی اختلالات روانی، نشان می‌دهد که تصور فرد از خود و باورهای بنیادین او، نقش کلیدی در شکل‌گیری تصور از خدا ایفا می‌کنند. پژوهشها تأکید دارند که در افراد با خودپنداره معیوب، به ویژه در اختلالات شخصیت و اختلالات مزمن روانی، اصلاح خودپنداره پیش‌نیاز ضروری برای اصلاح خداپنداره و افزایش پایبندی مذهبی است. (انصاری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۵: ۱۱۵)

برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» با توجه به نیاز دانشجویان در حوزه‌های معرفتی، فطری، اخلاقی و تربیتی (حسینی رامشه و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۶۵) و نبود برنامه‌های آموزشی نظری و عملی در حوزه سلامت معنوی با رویکرد مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر موضوعی و کارکرد گروه معارف اسلامی در آموزش سلامت معنوی (توکل و توکل، ۱۴۰۱: ۴۳۲) طراحی شده است تا از طریق تقویت کرامت ذاتی انسان و اصول روان‌شناختی، زمینه‌ساز تحول در نگرشهای مذهبی و تصور از خدا شود. این برنامه بر سه محور اصلی استوار است: بعد شناختی، شامل بازتعریف مفاهیم دینی مانند کرامت، عدل الهی و رابطه انسان با خدا بر اساس یافته‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر؛ بعد هیجانی، شامل تقویت تنظیم هیجانات از طریق مفاهیمی مانند رحمت الهی، بخشش و امیدواری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی؛ و بعد رفتاری، شامل طراحی تمرینهای عملی برای تجربه معنوی که همسو با اصول روان‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد است (جمالی راد و همکاران، ۱۴۰۴). ضرورت انجام این

پژوهش از آن روست که مطالعات نشان داده‌اند عناصر برنامه‌ی درسی دروس معارف اسلامی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست (یوسف‌زاده چوسری و رستمی، ۱۴۰۱: ۸۹۴) و برنامه‌ی درسی اجرا شده از سوی اساتید در حیطه‌های دانشی، نگرشی و عملکردی از سوی دانشجویان حاصل نشده است (قاسم‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹)؛ از این رو، تحول در محتوای برنامه‌ی درسی، امری ضروری به شمار می‌رود.

اهمیت این پژوهش از دو بعد نظری و کاربردی است؛ در بعد نظری، ترکیب آموزه‌های قرآنی با روان‌شناسی معاصر در قالب یک برنامه‌ی آموزشی ساختاریافته، رویکردی نوین در حوزه‌ی تربیت دینی محسوب می‌شود و می‌تواند به پر کردن خلأ پژوهشی در حوزه‌ی تلفیق روان‌شناسی دین و آموزه‌های قرآنی با محوریت کرامت انسانی کمک کند. از منظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به طراحی مداخلات تربیتی مؤثر برای دانشجویان و معلمان آینده کمک کند. ارائه‌ی پروتکلی آموزشی برای تقویت سلامت معنوی دانشجویان و پیشگیری از آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از بحران‌های اعتقادی در دوره‌ی جوانی، از کاربردهای عملی این تحقیق به شمار می‌رود که به توانمندسازی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به عنوان الگوهای تربیتی آینده کمک می‌کند. به ویژه آنکه نمونه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه فرهنگیان اند که آینده‌سازان نظام تربیتی کشور می‌باشند و تصور آنان از خدا و سطح پایبندی مذهبی‌شان مستقیماً بر نسل‌های بعدی تأثیر خواهد گذاشت. بنابر این، هدف از این پژوهش، نخست بررسی تأثیر برنامه‌ی آموزشی کرامت‌محور بر افزایش پایبندی مذهبی و دوم، بررسی تأثیر این برنامه بر اصلاح تصور از خدا با تأکید بر مفاهیم مبتنی بر کرامت انسانی است. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا اجرای برنامه‌ی آموزشی کرامت انسانی بر افزایش پایبندی مذهبی دانشجویان و بهبود تصور از خدا تأثیر معناداری دارد؟

بر اساس مبانی نظری، فرضیه‌های این تحقیق به شرح ذیل است:

- اجرای برنامه‌ی آموزشی کرامت انسانی موجب بهبود معنادار نمرات پایبندی مذهبی می‌شود و اثربخش است.
- اجرای برنامه‌ی آموزشی کرامت انسانی به تغییر مثبت در تصور از خدا (افزایش پذیرش خدای حمایتگر و کاهش ترس از خدای تنبیه‌گر) می‌انجامد و اثربخش است.

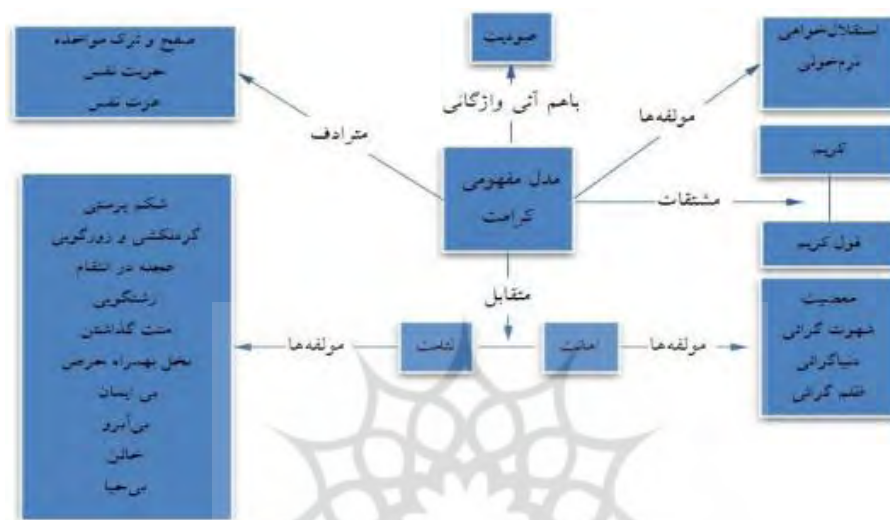
۱. پیشینه پژوهش

مفهوم کرامت، از بنیادی‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم روان‌شناختی در دین اسلام به شمار می‌رود. در «لسان العرب» آمده است: «الکریم: الجامع لأنواع الخیر و الشرف و الفضائل» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۷۵)؛ بدین معنا که فرد کریم، ترکیبی از شرف، بزرگواری، متانت و نیک‌سرشتی است. از منظر اسلامی، انسان به واسطه برخورداری از نعمتهای الهی نظیر عقل، امانت الهی، خودآگاهی و اختیار، ذاتاً موجودی گرامی و محترم محسوب می‌شود. این ویژگی‌ها که به عنوان «کرامت ذاتی» شناخته می‌شوند، مشتمل بر استعدادهای بالقوه‌ای‌اند که دیگر موجودات از آن محروم‌اند و برای تحقق و بالفعل شدن آنها، عقل و تلاش انسانی ضرورت دارد.

در نگاه اسلام، نفس انسان چنان دارای استعدادهای فراوانی است که به معادن گرانبهایی چون طلا و نقره تشبیه می‌شود و شناخت نفس، کلید شناخت پروردگار عالم است. این استعدادهای وجودی، همان معادن درونی انسان‌اند که به تعبیر قرآن و تفاسیر، کرامت ذاتی را شکل می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۶۵) و با تلاش و کار بالفعل می‌شوند و انسان، حس کرامت و ارزشمندی را تجربه می‌کند.

جان‌بزرگی و غروی (۱۳۹۵: ۶۸-۴۳) در تحلیل آموزه‌های دینی بیان می‌کنند که انسان سیستمی چندبعدی، پیچیده، منسجم، و متعادل (قیامت: ۱۸) است. او به سبب رابطه ویژه‌اش با خالق، مخلوقی خاص محسوب می‌شود (اسراء: ۷۴) که هم انگیزه بقا به صورت کامل در بُعد کمی و هم کمال مطلق و تعالی در بعد کیفی را در زندگی دارد. انسان، هدفمند (ذاریات: ۵۲)، پرتلاش (انشقاق: ۶)، فعال، توانا و برخوردار از نظم درونی و برنامه‌ای معین است (روم: ۱۴). همچنین او مختار (انسان: ۳) و مجهز به همه امکانات لازم برای تحول است (نحل: ۷۸)؛ اما در عین حال آسیب‌پذیر نیز می‌باشد (نساء: ۲۸). وقتی انسان خود را با دیگر موجودات از نظر دارایی‌های خاصش مقایسه می‌کند، این احساس قدرت در او به شکل حس ارزشمندی بروز می‌کند و خود را مخاطب مستقیم خالق هستی می‌بیند.

آزادی و همکاران (۱۳۹۸: ۵۰۹) پس از انجام تحلیل کیفی بر مبنای نظریه معنانشناسی زبان، به مدل مفهومی نوینی از کرامت دست یافتند که در شکل ۱، ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی کرامت از دیدگاه اسلام

این مدل مفهومی، ارتباط متقابل میان واژه‌ها و مؤلفه‌های کرامت را به تصویر می‌کشد و علاوه بر آن، مصادیق، اجزای تشکیل دهنده، مشتقات و کاربردهای مختلف کرامت را نیز به نمایش می‌گذارد. همچنین، هم‌نشینی این مفهوم با واژه «عبودیت» در این مدل به وضوح نشان داده شده است. مفاهیمی که به طور مستقیم با کرامت در ارتباط اند، شامل عبودیت، بخشش، ترک مؤاخذه، عزت نفس، سخاوت، گشاده‌رویی، نرم‌خویی، آزادگی، قول کریم و استقلال‌طلبی می‌باشند.

مدل کرامت‌درمانی، به عنوان یک برنامه درمانی، با هدف اصلی حفظ و نگهداشت کرامت انسان، عمدتاً بر پایه مبانی اسلامی شکل گرفته است و ماهیتی پیشگیرانه و تحول‌گرا دارد. پژوهشها ثابت کرده‌اند که آسیب دیدن یا تضعیف حس کرامت، تأثیرات عمیقی بر تصویر فرد از خود، ارتباطش با خداوند، حرمت نفس و اعتماد به نفس او دارد. لذا محافظت و تقویت ویژه‌ای بر حفظ کرامت وجود دارد که ریشه این اهمیت در بخش عوامل مخاطره‌آمیز نهفته است. مباحث اصلی، پیرامون چگونگی تهدید کیفیت حریم نفس یا همان عزت نفس متمرکز شده‌اند. تجربه هرگونه اهانت به نفس انسانی، گام بلندی به سوی احساس بی‌ارزشی در روان فرد محسوب می‌شود. آسیب یا تقویت حس کرامت، تأثیر مستقیم و

بررسی اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو...» ۱۱۷

عمیقی بر خودپنداره، خداپنداره، حرمت نفس و اعتماد به نفس فرد دارد؛ از این رو، حفظ و ارتقای این حس ارزشمند، امری حیاتی و کلیدی در مسیر پیشگیری و درمان به شمار می‌آید. (آزادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۸)

به طور کلی، کرامت‌درمانی به عنوان یک مداخله نوین و بومی که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این رویکرد درمانی، بر حفظ و تقویت کرامت انسانی تأکید دارد و با تلفیق مفاهیم معنوی و روان‌شناختی، به دنبال بهبود سلامت روان و روابط بین فردی است. کرامت‌درمانی نخستین بار توسط چاچینو و همکاران (۲۰۱۱) در زمینه مراقبت از بیماران سرطانی نزدیک به مرگ مطرح شد. این مدل با تمرکز بر حفظ کرامت بیماران، به عنوان یک پروتکل درمانی در حیطه طب تسکینی توسعه یافت. پژوهشهای بعدی نشان دادند که کرامت‌درمانی می‌تواند حس معنا، هدف و عزت نفس را در بیماران تقویت کند. در فرهنگ اسلامی، آزادی و همکاران (۱۳۹۸) برای نخستین بار در ایران، با بومی‌سازی پروتکل کرامت‌درمانی در فرهنگ ایرانی-اسلامی، نشان دادند این مداخله می‌تواند بر کیفیت زندگی بیماران سرطانی تأثیر مثبت بگذارد و موجب افزایش عزت نفس و بهبود کیفیت زندگی بیماران سرطانی شود. مؤلفه‌های اصلی کرامت در این پژوهش شامل عبودیت، بخشش و حریم خصوصی بود. منصور و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای روی بیماران دیالیزی در مشهد نشان دادند که کرامت‌درمانی معنوی اسلامی به طور معناداری افسردگی و اضطراب مرگ را کاهش می‌دهد. این مطالعه بر اهمیت استفاده از این روش در مراکز دیالیز تأکید کرد. جمالی راد و همکاران (۱۴۰۳) با هدف بررسی اثربخشی کرامت‌درمانی گروهی معنوی اسلامی بر تنظیم شناختی هیجان و رضامندی زنانوبی دانشجویی دانشجومعلمان متأهل نشان دادند که این مداخله به طور معناداری منجر به کاهش راهبردهای منفی تنظیم هیجان و افزایش راهبردهای مثبت شد. همچنین، بهبود قابل توجهی در رضامندی زنانوبی شرکت‌کنندگان مشاهده شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهشهای پیشین مانند مطالعات فیتچت و همکاران (۲۰۱۵) و مانوکیان و همکاران (۱۳۹۹) همسو است که بر تأثیر کرامت‌درمانی بر ارتقای حس کرامت و بهبود روابط بین فردی تأکید داشتند. همچنین، جمالی راد و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی نشان دادند که کرامت‌درمانی معنوی اسلامی می‌تواند به کاهش افسردگی و افزایش سازگاری زنانوبی در زنان آسیب‌دیده از پیمان‌شکنی همسر کمک کند. دهقانی‌زاده (۱۴۰۱) نیز اثربخشی این روش را بر افزایش خودشفقت‌ورزی و عزت نفس نوجوانان تک‌سرپرست تأیید کرد.

همان‌گونه که ملاحظه شد، با وجود کاربردهای گسترده کرامت‌درمانی در حوزه‌های مختلف سلامت روان، تأثیر این رویکرد بر پایداری مذهبی و تصور از خدا کمتر بررسی شده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد تقویت حس کرامت می‌تواند تأثیر عمیقی بر نگرش افراد نسبت به خود، خدا و جهان‌بینی آنان داشته باشد. پژوهش حاضر با تمرکز بر این شکاف پژوهشی و با در نظر گرفتن دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به عنوان جامعه هدف، در صدد است تا تأثیر برنامه آموزشی مبتنی بر کرامت را بر این دو متغیر کلیدی بررسی کند. ترکیب مبانی اسلامی با یافته‌های روان‌شناسی معاصر در قالب یک برنامه آموزشی ساختاریافته، از جمله نوآوری‌های این مطالعه محسوب می‌شود.

در مجموع، ساختار این بسته آموزشی به نحوی طراحی شده است که همزمان بر رشد درونی، اصلاح شناختها، تقویت مهارت‌های بین فردی، ارتقای هیجانی و پرورش فضیلت‌های اخلاقی تمرکز داشته باشد. این رویکرد ترکیبی و چندنظریه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز تحولی عمیق در خودآگاهی، خودشفقت‌ورزی و تعاملات فرد با خود، خدا و دیگران باشد. برنامه آموزشی طراحی شده در این پژوهش، با بهره‌گیری از رویکردی تلفیقی، نظریه‌های روان‌شناختی مختلفی را در بر می‌گیرد. رویکرد انسان‌گرایانه با تأکید بر خودشکوفایی، شناخت‌درمانی با محوریت اصلاح باورهای ناکارآمد، روان‌شناسی مثبت‌نگر با تمرکز بر فضیلت‌های انسانی، درمان متمرکز بر شفقت، ذهن‌آگاهی، خانواده‌درمانی سیستمی و نظریه دل‌بستگی، همگی به عنوان مبانی نظری این برنامه استفاده شده‌اند. این ترکیب نظری، به برنامه امکان می‌دهد که همزمان بر ابعاد مختلف رشد فردی، از جمله خودآگاهی، خودپنداره، خداپنداره و روابط بین فردی تأثیر بگذارد.

ب) روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در دسته مطالعات کاربردی قرار دارد و از نظر روش اجرا، به صورت نیمه‌آزمایشی با طرح تک‌گروهی پیش‌آزمون-پس‌آزمون طراحی شده است. در این طرح، ابتدا متغیرهای «پایداری مذهبی» و «تصور از خدا» در گروه شرکت‌کننده اندازه‌گیری شد (پیش‌آزمون). سپس برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» اجرا شد و در انتها، پس‌آزمون برگزار شد تا تغییرات احتمالی در متغیرهای وابسته بررسی شود.

جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی‌نژاد بود که در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ حضور داشتند. از این جامعه،

یک کلاس به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد که شامل ۴۱ نفر بود و تمامی اعضای این کلاس در برنامه آموزشی شرکت کردند.

ضروری است که متغیرهای مداخله گر بالقوه، به دقت شناسایی و کنترل شوند تا از اعتبار نتایج اطمینان حاصل شود. در پژوهش حاضر، این متغیرها شامل چندین دسته اصلی بودند:

- **ویژگی های جمعیت شناختی دانشجویان؛** که در بر گیرنده عواملی همچون: سن، جنسیت، مقطع و رشته تحصیلی، سوابق مذهبی و خانوادگی است. این خصوصیات فردی می توانند بر نحوه درک، پردازش و واکنش دانشجویان به محتوای آموزشی و همچنین بر میزان تغییرات در متغیرهای وابسته تأثیر گذار باشند.
- **تجربیات قبلی آموزشی/مذهبی** دانشجویان؛ مانند شرکت در دوره های مشابه یا مطالعات شخصی در زمینه های مرتبط، که ممکن است دانش و نگرشهای اولیه متفاوتی در آنها ایجاد کرده باشد اثربخشی برنامه را تحت الشعاع قرار دهد.
- **شرایط محیطی و زمانی اجرای پژوهش؛** شامل ساعت و روز برگزاری کلاسها، محیط فیزیکی کلاس و وقوع رویدادهای خاص (ملی، مذهبی، دانشگاهی)، که می توانند بر تمرکز و مشارکت دانشجویان و در نهایت بر نتایج برنامه تأثیر گذار باشند.

- **ویژگی های مجری برنامه آموزشی (مدرس)؛** از جمله: تجربه و تخصص و سبک تدریس او، که نقش کلیدی در کیفیت ارائه و انتقال مفاهیم برنامه دارد. برای کنترل متغیرهای مداخله گر و کاهش سوگیری ها، از چندین راهکار مکمل استفاده شد. ابتدا تصادفی سازی^۱ به عنوان یک اصل اساسی به کار گرفته شد؛ بدین صورت که دانشجویان به صورت کاملاً تصادفی به گروه آزمایش و گروه کنترل تخصیص یافتند. این روش کمک می کند تا متغیرهای مداخله گر در هر دو گروه به طور متعادل توزیع شده و گروه ها تا حد امکان از نظر ویژگی های اولیه همگن شوند. سپس در مرحله پیش آزمون، علاوه بر اندازه گیری متغیرهای وابسته پژوهش (پایبندی مذهبی و تصور از خدا)، داده های مربوط به ویژگی های جمعیت شناختی و سوابق آموزشی دانشجویان نیز جمع آوری شد. این داده ها سپس در تحلیل آماری پس آزمون، به ویژه با استفاده از تحلیل کوواریانس، به عنوان متغیرهای همپراش (کواریت) وارد شدند تا تأثیر هرگونه تفاوت احتمالی اولیه بین گروه ها یا تأثیر مستقل این متغیرها بر متغیرهای وابسته، به صورت آماری کنترل و حذف شود. در

مرحله سوم برای کاهش تأثیر عوامل محیطی و اجرایی، تلاش شد تا استانداردهای و یکنواخت‌سازی شرایط به حداکثر رسانده شود؛ این امر شامل استانداردسازی دقیق محتوا، مدت زمان و روش اجرای برنامه آموزشی برای گروه آزمایش، همچنین یکسان نگه داشتن شرایط محیط فیزیکی کلاس و زمانبندی برگزاری جلسات برای هر دو گروه بود. استفاده از یک مدرس واحد و آموزش دیده برای اجرای برنامه در گروه آزمایش، به منظور کاهش تفاوت‌های ناشی از سبک تدریس و کیفیت ارائه، ترجیح داده شد. در نهایت، برای به حداقل رساندن سوگیری در ارزیابی، ناآگاه‌سازی^۱ ارزیابها از تعلق دانشجویان به گروه‌های آزمایش یا کنترل انجام می‌شود تا نتایج به صورت عینی و بی‌طرفانه سنجش شود. این مجموعه اقدامات جامع، به افزایش اعتبار درونی پژوهش و اطمینان از اینکه هرگونه تغییر مشاهده شده در متغیرهای وابسته، واقعاً ناشی از برنامه آموزشی کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی است، کمک کرد.

ابزار گردآوری داده‌ها برای ارزیابی پابندی مذهبی، پرسشنامه «پابندی مذهبی» (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸) بود. این پرسشنامه شامل ۶۰ گویه است و رفتارهای مذهبی را در موقعیتهای بالینی و پژوهشی می‌سنجد و دارای سه مؤلفه پابندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی و ناپابندی مذهبی است. در عامل پابندی مذهبی، فرد بدون شک رفتارهای خود را مطابق معیارهای مذهبی تنظیم می‌کند و تلاش دارد که تمام رفتارهایش تحت تأثیر این معیارها باشد. در عامل ناپابندی مذهبی، فرد هیچ تمایلی به تنظیم رفتارهای خود بر اساس اصول یا دستورالعملهای مذهبی ندارد. عامل دوسوگرایی مذهبی نمایانگر وضعیت تردید و نگرانی مداوم فرد نسبت به مسائل مذهبی است؛ در این حالت، افراد بین رفتارها و کلام خود ناسازگاری دارند، در مواجهه با مشکلات تحمل پایینی نشان می‌دهند، احساس خوشایندی نسبت به خود و رابطه‌شان با خدا ندارند، از اعمال مذهبی خود ناراضی‌اند و تنها در زمان سختی‌ها به خدا پناه می‌برند. گفتنی است که این پرسشنامه الزاماً ابعاد دینداری را نمی‌سنجد، بلکه بیشتر روی‌آوری به دین یا روی‌گردانی یک فرد را از ایمان به مذهب و اعتقادات مذهبی مورد بررسی و سنجش قرار می‌دهد. نحوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای، از خیلی موافقم (۵) تا خیلی مخالفم (۱) انجام می‌شود. حداقل و حداکثر نمره کسب شده در این پرسشنامه به ترتیب ۶۰ و ۳۰۰ است.

برای سنجش تصور از خدا نیز از پرسشنامه «تصور از خدا» (GLL) استفاده شد که شامل ۲۷ آیتم و سه مؤلفه حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند می‌باشد. دو خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی و مراقبت خداوند در کنار هم، مقیاس «تصور مثبت از خدا» را شکل می‌دهند. در نهایت، این پرسشنامه دارای دو مقیاس اصلی «تصور مثبت از خدا» و «تصور منفی از خدا» است. نمره‌گذاری بر اساس طیف پنج‌نقطه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) صورت می‌گیرد. حداقل و حداکثر نمره کسب‌شده در این پرسشنامه به ترتیب: ۲۷ و ۱۳۵ است. ترجمه فارسی این ابزار در سال ۱۳۸۳ توسط مجید خسروی انجام شده است.

در تعریف مفهومی تصور از خدا باید گفت این مفهوم یک متغیر پیچیده و چندبعدی در حوزه روان‌شناسی است که تحت چارچوب گسترده‌تری به نام دین قرار دارد. لارنس^۱ مفهوم خدا را به عنوان یک سازه شناختی تعریف می‌کند که نقش واسطه‌ای در تفکیک و تمیز دیدگاهها و برداشتهای گوناگون درباره خدا ایفا می‌کند. وی معتقد است مفهوم خدا و درک شناختی مرتبط با آن، به طور همزمان رشد می‌یابند؛ اما فرایند شکل‌گیری هر یک از این دو، از مسیرهای روان‌شناختی و تعاملات بین‌فردی متمایز و مستقلی عبور می‌کند. (اسیلکا و همکاران، ۱۳۹۰)

تعریف عملیاتی مفهوم تصور از خدا، امتیازی است که به نمره استاندارد «تصور از خدا» اطلاق می‌شود و بر اساس آن، هر فرد به ۲۷ گویه پرسشنامه ترجمه‌شده توسط خسروی، اختصاص می‌دهد.

اعتبار صوری و محتوایی ابزارهای پژوهش توسط جمعی از متخصصان روان‌شناسی و علوم تربیتی تأیید شده است. برای ارزیابی پایایی، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای پرسشنامه پایبندی مذهبی، مقدار کل آلفا ۰.۸۱۶ و ضریب همسانی درونی عوامل آن به ترتیب: ۰.۸۷۸ برای پایبندی مذهبی، ۰.۶۷۸ برای دوسوگرایی و ۰.۷۲۵ برای ناپایبندی مذهبی گزارش شده که نشان‌دهنده همگنی و اعتبار بالای این ابزار است. همچنین برای ارزیابی روایی ملاک، همبستگی اولیه پرسشنامه با آزمون جهت‌گیری مذهبی آلپورت برابر با ۰.۴۷ گزارش شده است که در سطح معناداری $p < 0.001$ قرار دارد. (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۷)

در خصوص پرسشنامه «تصور از خدا» کلاین (۱۹۹۳) پایایی درونی سه خرده‌مقیاس آن؛ یعنی حضور خدا، مراقبت خدا و تصور منفی از خدا را به ترتیب: ۸۶، ۸۲ و ۶۹ درصد گزارش کرده است. همچنین در پژوهش فیض‌آبادی و خسروی (۱۳۸۸)، شاخصهای آلفای کرونباخ این خرده‌مقیاسها به ترتیب: ۶۵، ۶۸ و ۵۵ درصد به دست آمده است.

مداخله در این پژوهش به این صورت بود که برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» طی یک ترم آموزشی شامل ۱۶ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای برگزار شد. در این پژوهش، متغیر «نیازهای فراگیران»، به عنوان محور اصلی مد نظر قرار گرفت و به صورت کاربردی و عقلانی، مفاهیم علمی و عملی قرآن کریم در حوزه کرامت انسانی تشریح شدند. همچنین، کاربردهای آموزشی و رشد روان‌شناختی این مفاهیم بررسی شد. نکته قابل توجه در این تحقیق، تمرکز خاص بر «پروتکل کرامت‌درمانی معنوی اسلامی» است که در قالب درسنامه‌ای آموزشی تهیه و تنظیم شده است (جمالی راد و همکاران، ۱۴۰۴). هدف این پروتکل، حفظ و ارتقای کرامت انسانی بر اساس برنامه پیشگیری تحول‌مدار و مبتنی بر مبانی اسلامی است.

محتوای جلسات آموزشی بر پایه مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌نگر و موضوعاتی همچون: کرامت انسانی، خودپنداره، خداپنداره، شکرگزاری، خودشفقت‌ورزی، بخشش، حریم خصوصی، استقلال‌خواهی و جرئت‌ورزی طراحی شده است. هر درس با تمرینات و تکالیفی همراه بوده که به منظور عملیاتی کردن آموخته‌ها تدوین شده‌اند. این تمرینها به صورت مستمر اجرا شده و بستر مناسبی برای تغییر رفتار فراگیران فراهم می‌آورند تا اهمیت تقویت توانشهای سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری را تجربه کنند. هدف از این بخش، تشویق دانشجویان به تحلیل، نگارش و به کارگیری دانش کسب‌شده در زندگی شخصی و اجتماعی آنهاست. برای ارزیابی تمرینها و تکالیف، برخی جلسات به صورت مجزا برگزار شده‌اند تا شرکت‌کنندگان بتوانند به طور کامل ارزش و اهمیت کاربرد دانش در زندگی فردی و اجتماعی را درک کنند.

برنامه آموزشی پس از برگزاری پیش‌آزمون و جلسه معارفه در آغاز ترم، از جلسه دوم آغاز به کار کرد. شرح مختصری از شیوه اجرای طرح در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی»

جلسه	عنوان
اول	معارفه، تبیین قوانین و شیوه مدیریت کلاس، گروه‌بندی و تعیین نمایندگان
دوم	مقدمات و پیش‌دانسته‌ها
سوم	درس اول: کلیات: پیش‌دانسته‌هایی پیرامون طراحی آموزشی کتاب
چهارم	درس دوم: مفهوم‌شناسی کرامت انسانی
پنجم	درس سوم: کرامت انسانی و خودپنداره‌ها
ششم	تمرینات خودپنداره‌ها
هفتم	درس چهارم: کرامت انسانی و خداپنداره‌ها
هشتم	تمرینات خداپنداره‌ها
نهم	درس پنجم: شکرگزاری
دهم	درس ششم: خودشفقت‌ورزی
یازدهم	درس هفتم: بخشش
دوازدهم	درس هشتم: حریم خصوصی
سیزدهم	تمرینات حریم خصوصی
چهاردهم	درس نهم: استقلال‌خواهی
پانزدهم	درس یازدهم: جرنت‌ورزی
شانزدهم	جمع‌بندی

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به این صورت بود که برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس بهره گرفته شد. با توجه به ماهیت طرح پژوهش که شامل اندازه‌گیری‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون در یک گروه واحد است، آزمون تی همبسته^۱ برای بررسی تفاوت‌های معنادار میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون به کار گرفته شد. میزان سطح معناداری در تمامی آزمونها معادل ۰.۰۵ تعیین شد.

ج) یافته‌های پژوهش

در این بخش، نخست اطلاعات توصیفی آزمودنی‌ها، سپس شاخصهای توصیفی متغیر پژوهش ارائه شد. در ادامه و در بخش دوم، به منظور بررسی فرضیه پژوهش، از آزمون تی همبسته استفاده شد.

۱. یافته‌های توصیفی

یک) اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

نمونه پژوهش شامل یک گروه از دانشجو معلمان زن مقطع کارشناسی بود. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها در متغیرهای وضعیت تأهل و سن، در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها به تفکیک گروه در متغیرهای وضعیت تأهل و سن

گروه	متغیر	
آزمایش	مجرد	وضعیت تأهل
۳۳ (۸۰/۵ درصد)	متاهل	
۸ (۱۹/۵ درصد)	کل	
۴۱ (۱۰۰ درصد)	سن	
میانگین (انحراف معیار)	۲۰/۹۵ (۱/۲۱)	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در متغیر وضعیت تأهل، ۳۳ نفر (۸۰/۵ درصد) مجرد و ۸ نفر (۱۹/۵ درصد) متاهل بودند. همچنین میانگین سن شرکت کنندگان، ۲۰/۹۵ سال با انحراف معیار ۱/۲۱ گزارش شده است.

دو) آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

در این بخش، شاخصهای توصیفی مربوط به آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش ارائه شده است. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پایبندی مذهبی و تصور از خدا، همراه با مؤلفه‌های مرتبط با آنها، در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۳ نمایش داده شده‌اند.

جدول ۳: آمارهای توصیفی متغیر پایبندی مذهبی و مؤلفه‌های آن در مرحله پیش‌آزمون و

پس‌آزمون

متغیر	مرحله اجرا	میانگین	انحراف استاندارد
پایبندی کل	پیش‌آزمون	۱۰۹/۹۵	۳/۸۹
	پس‌آزمون	۱۱۸/۹۵	۳/۸۴
پایبندی مذهبی	پیش‌آزمون	۳۸/۱۵	۱/۸۴
	پس‌آزمون	۴۲/۵	۲/۵
دوسرگرایی مذهبی	پیش‌آزمون	۲۱/۱۵	۲/۳۹
	پس‌آزمون	۱۸/۷	۲/۱۵
ناپایبندی مذهبی	پیش‌آزمون	۲۱/۰۵	۱/۷۹
	پس‌آزمون	۱۸/۸۵	۱/۴۶

بررسی اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو...» ۱۲۵

۲/۹۴	۲۴/۴	پیش آزمون	حضور خدا در زندگی	تصور از خدا
۳/۱۶	۲۷/۱۵	پس آزمون		
۳/۲۳	۲۵/۱۵	پیش آزمون	مراقبت خداوند	
۳/۷۲	۲۸/۲	پس آزمون		
۲/۱۸	۲۲/۵	پیش آزمون	تصور منفی از خداوند	
۱/۸۵	۲۰/۸	پس آزمون		

نتایج جدول ۳، بیانگر وجود تفاوت معنادار میان نمرات متغیر پایبندی کل و مؤلفه‌های سه گانه آن در مراحل پیش آزمون و پس آزمون است. به طوری که پس از دریافت محتوای برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی»، نمرات دانشجویان در مرحله پس آزمون به طور قابل توجهی ارتقا یافت. همچنین، تفاوت معناداری در نمرات مؤلفه‌های سه گانه تصور از خدا (حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند) بین دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون مشاهده شد؛ به گونه‌ای که پس از اجرای برنامه آموزشی مذکور، بهبود قابل توجهی در این مؤلفه‌ها حاصل شد.

۲. یافته‌های استنباطی

در این بخش به بررسی و تحلیل فرضیه پژوهش پرداخته می‌شود.

فرضیه اول: برنامه آموزشی کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی بر پایبندی مذهبی اثربخش است.

با توجه به طراحی پژوهش که شامل دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون است؛ برای ارزیابی تفاوت نمرات متغیر پایبندی مذهبی و مؤلفه‌های سه گانه آن، همچنین سنجش اثربخشی برنامه آموزشی مذکور، از آزمون تی همبسته استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج بررسی میانگین متغیر پایبندی مذهبی و مؤلفه‌های آن با آزمون تی همبسته

متغیر	تفاوت میانگین مرحله پیش آزمون و پس آزمون	انحراف استاندارد	مقدار تی	درجه آزادی	مقدار معناداری
پایبندی کلی	۹	۱/۷۱	۲۳/۴**	۴۰	۰/۰۰۱
پایبندی مذهبی	۴/۳۵	۱/۴۹	۱۳**	۴۰	۰/۰۰۱
دوسرگرایی مذهبی	-۲/۴۵	۰/۸۲	-۱۳/۲۷**	۴۰	۰/۰۰۱
ناپایبندی مذهبی	-۲/۲	۱/۰۱	-۹/۷۸**	۴۰	۰/۰۰۱

p < ۰/۰***

نتایج جدول ۴ نشان داد میان نمرات آزمودنی‌ها در متغیر پایبندی کل و مؤلفه‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی و ناپایبندی مذهبی، تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). نتایج آزمون تی همبسته نشان داد نمرات گروه نمونه در متغیر پایبندی کلی ($t = 23/4, p < 0/01$) و مؤلفه پایبندی مذهبی ($t = 13, p < 0/01$) بالاتر از مرحله پیش‌آزمون در این مؤلفه‌ها بود و در مؤلفه‌های دوسوگرایی مذهبی ($t = -13/27, p < 0/01$) و ناپایبندی مذهبی ($t = -9/78, p < 0/01$)، پایین‌تر از مرحله پیش‌آزمون بود و این تفاوتها از لحاظ آماری معنادار است. به طور کلی، نتایج جدول ۴، حاکی از اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» بر متغیر پایبندی کلی و مؤلفه‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی و ناپایبندی مذهبی بود. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش مبنی بر اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» بر پایبندی مذهبی تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» بر تصور از خدا اثربخش است.

در این پژوهش، با توجه به انجام سنجش در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون، به منظور ارزیابی تفاوت میانگین نمرات مؤلفه‌های سه گانه تصور از خدا و اعتبارسنجی اثربخشی برنامه آموزشی مذکور، آزمون تی همبسته به کار گرفته شد. این روش آماری، امکان مقایسه دقیق نمرات پیش و پس از مداخله آموزشی را فراهم می‌سازد و نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: نتایج بررسی میانگین مؤلفه‌های تصور از خدا با آزمون تی همبسته

متغیر	تفاوت میانگین مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون	انحراف استاندارد	مقدار تی	درجه آزادی	مقدار معناداری
حضور خدا در زندگی	۲/۷۵	۰/۷۱	۱۷/۱۶**	۴۰	۰/۰۰۱
مراقبت خداوند	۳/۰۵	۰/۹۴	۱۴/۴۴**	۴۰	۰/۰۰۱
تصور منفی از خداوند	-۱/۷	۱/۱۲	-۶/۷۳**	۴۰	۰/۰۰۱

$p < 0/001$

نتایج جدول ۵ نشان داد میان نمرات آزمودنی‌ها در مؤلفه‌های حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند، تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). نتایج آزمون تی همبسته نشان داد نمرات گروه نمونه در مؤلفه‌های حضور خدا در زندگی ($p < 0/01$) و مراقبت خداوند ($t = 17/16, p < 0/01$)، بالاتر از مرحله پیش‌آزمون در این

بررسی اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو...» ۱۲۷

مؤلفه‌ها بود و در مؤلفه تصور منفی از خداوند ($t=-6/73, p<0/01$)، پایین‌تر از مرحله پیش‌آزمون بود و این تفاوتها از لحاظ آماری معنادار است. به طور کلی، نتایج جدول ۵، حاکی از اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» بر مؤلفه‌های حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند بود.

د) بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی» بر دو محور کلیدی پایبندی مذهبی و تصور از خدا در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انجام شد. این مداخله آموزشی که با تلفیق آموزه‌های اخلاقی قرآنی و نظریه‌های معتبر و مؤثر روان‌درمانی طراحی شده بود، با تأکید بر تقویت کرامت ذاتی انسان، به منظور تثبیت و تحکیم دینداری و ارتقای برداشت مثبت از خداوند اجرا شد.

تحلیل نتایج نشان داد که برنامه مذکور تأثیر معناداری بر افزایش سطح پایبندی مذهبی دانشجویان داشته و علاوه بر کاهش دوسوگرایی و ناپایبندی دینی، توانسته است باورهای دینی پایدارتر و قوی‌تری را در آنان ایجاد کند. به عبارت دیگر؛ مرور و بازاندیشی آموزه‌های کرامت ذاتی به عنوان سازوکار واسطه در تقویت سازوکارهای مقابله‌ای مؤثر در برابر چالشهای دینی دوره جوانی عمل کرده است. این یافته‌ها از منظر نظریه‌های روان‌شناسی دین، به ویژه مدل‌های رشد ایمان و هویت دینی، قابل تحلیل است؛ زیرا آنان ارتقای هویت دینی همراه با افزایش عزت نفس و خودپذیری را از مؤلفه‌های اساسی تثبیت باورهای دینی می‌دانند و با پژوهش اسپیلکا در روان‌شناسی دین (۱۳۹۰) همسو است. نتایج این مطالعه با تحقیقات پیشین همچون جمالی‌راد و همکاران (۱۴۰۳) و آزادی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان‌دهنده نقش مثبت کرامت درمانی به عنوان یک برنامه معنوی- روان‌شناختی است، همسویی و تطابق دارد.

در زمینه تصور از خداوند، مطالعه نشان داد که اجرای برنامه آموزشی کرامت انسانی باعث افزایش نمرات مربوط به حضور فعال و مراقبت الهی و به موازات آن، کاهش چشمگیر تصورهای منفی و ترس آور از خدا شده است. این تحول نگرشی و ادراکی از خداوند، با نظریه‌های روان‌شناسی دین و سلامت روان که تصویر خدا را به عنوان عاملی کلیدی در کاهش استرس و افزایش رضایت از زندگی می‌دانند، کاملاً همراستاست. رویکرد تلفیقی حضور آموزه‌های قرآنی مرتبط با رحمت و مهربانی الهی و مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌نگر، نظیر انعطاف‌پذیری شناختی، خودشفقت و بازسازی شناختی، موجب شد دانشجویان خداوند

را نه به عنوان نیرویی سختگیر و تنبیه کننده، بلکه به عنوان محبوبی مهربان، همراه و نزدیک تجربه کنند؛ به نحوی که تأثیری عمیق بر کاهش اضطراب و افزایش امیدآفرینی در زندگی شخصی و اجتماعی آنان داشته است. این یافته‌ها با پژوهشهای فیض آبادی و خسروی (۱۳۸۸) و سرآبادانی تفرشی و جان‌بزرگی (۱۳۹۷) که رضایت از زندگی و سلامت روان را به تصور مثبت خدا مرتبط کرده‌اند، همسو است.

در واقع؛ آنچه در این پژوهش، محور اصلی آموزش و نقطه اتصال میان آموزه‌های قرآنی و نظریه‌های روان‌شناسی انسان‌گرا بوده، کرامت ذاتی انسان است که در متون قرآنی به عنوان موهبتی الهی و ارزش پایدار انسان مطرح شده و از نظر روان‌شناختی موجب افزایش عزت نفس، خودارزشمندی و تثبیت هویت فردی می‌شود. این مفهوم، همسو با مدل‌های خودشکوفایی و نیازهای اساسی روان‌شناسی انسان‌گراست که انسان را موجودی ارزشمند و شایسته احترام می‌دانند. وقتی دانشجویان خود را به عنوان موجوداتی ارزشمند در نظام الهی می‌بینند، رابطه‌ای متعالی بر اساس اعتماد، محبت و اطمینان با خدا برقرار می‌کنند که فاقد ترس و اضطراب است. این رابطه عمیق، زمینه‌ساز شکل‌گیری دینداری متعالی، پایدار و متعادل می‌شود و تجربه‌ای معنوی و رضایت‌بخش را برای فرد به ارمغان می‌آورد. این نتایج با پژوهش انصاری و جان‌بزرگی (۱۳۹۵) مبنی بر اهمیت اصلاح و تحکیم خودپنداره به عنوان زیربنای تحول در خداپنداره، همخوانی دارد.

افزایش قابل توجه پراکندگی نمرات در مرحله پس‌آزمون (حدود دو برابر نسبت به پیش‌آزمون)، بیانگر ماهیت پویا و اثرگذاری متفاوت مداخله بر جمعیت مورد مطالعه است. این امر نشان می‌دهد که مداخله نه تنها به طور کلی مؤثر بوده، بلکه توانسته است سطوح مختلفی از یادگیری، پذیرش، یا تغییر را در میان شرکت‌کنندگان با توجه به ویژگی‌ها و شرایط اولیه آنان برانگیزد. به عبارت دیگر؛ مداخله در برخی افراد منجر به پیشرفت چشمگیر شده و در برخی دیگر، تغییرات در سطوح متفاوتی رخ داده که خود گویای انعطاف‌پذیری و طیف اثرگذاری مداخله است. همچنین می‌توان این افزایش پراکندگی را به حساسیت بیشتر شرکت‌کنندگان به مقیاس سنجش پس از اجرای مداخله نسبت داد. گذراندن برنامه آموزشی/مداخله‌ای، ممکن است آگاهی، درک، یا تجارب جدیدی را در شرکت‌کنندگان ایجاد کرده باشد که منجر به بروز تفاوت‌های فردی واضح‌تری در پاسخ به پرسشنامه‌های نهایی شده است. این یافته همچنین می‌تواند بازتابی از تفاوت در میزان مشارکت فعال و بهره‌مندی شرکت‌کنندگان از محتوای مداخله باشد. افرادی که به دلایل مختلف (مانند انگیزه بالاتر،

درک بهتر، یا فرصت بیشتر برای تمرین) توانسته‌اند بیشتر از مداخله بهره ببرند، احتمالاً نمرات بالاتری کسب کرده‌اند، که این امر به افزایش پراکندگی کلی نمرات پس‌آزمون منجر شده است. در نهایت، با توجه به اینکه میانگین نمرات پس‌آزمون نیز به طور معناداری نسبت به پیش‌آزمون افزایش یافته است (ذکر میانگینها و آزمونهای آماری مربوطه)، افزایش پراکندگی نمرات پس‌آزمون را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از اثربخشی جامع مداخله تلقی کرد که توانسته است طیف وسیعی از بهبود را در میان شرکت‌کنندگان ایجاد کند.

ارزیابی ماندگاری اثرات برنامه آموزشی «کرامت انسانی» نشان داد که بهبود در «پایبندی مذهبی» و «تصور از خدا» بلافاصله پس از اتمام دوره، به طور قابل توجهی پایدار بوده است. روند نمرات در سنجشهای انجام‌شده پس از مداخله، نشان‌دهنده ثبات نسبی یا کاهش اندک و غیر معنادار در میانگین نمرات شرکت‌کنندگان بود. این یافته حاکی از آن است که آموزش مبتنی بر تلفیق آموزه‌های قرآنی و روان‌شناسی، قادر به ایجاد تغییرات عمیق و پایدار در نگرشها و باورهای دانشجویان نسبت به دین و خداوند بوده است. این ماندگاری را می‌توان به ماهیت یکپارچه و چندوجهی برنامه آموزشی نسبت داد که با پرداختن همزمان به ابعاد شناختی (مفاهیم قرآنی)، عاطفی (تصور از خدا) و رفتاری (پایبندی مذهبی)، پایه‌های مستحکمی برای درونی‌سازی و حفظ آموخته‌ها فراهم کرده است؛ امری که احتمالاً با فراهم آوردن فرصتهای کاربرد این مفاهیم در زندگی روزمره و تأکید بر معناداری آنها، تسهیل شده است.

جمع‌بندی کلی اینکه، برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی»، به عنوان یک مدل مداخله‌ای جامع و بین‌رشته‌ای، نقش مؤثری در ارتقا و تثبیت پایبندی مذهبی و اصلاح نگرشهای دینی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان ایفا می‌کند. از آنجا که این دانشجویان به عنوان معلمان آینده کشور، مسئولیت انتقال ارزشها، باورها و آموزه‌های دینی و اخلاقی را بر عهده دارند، تقویت آموزه‌های کرامت انسانی در بستر دینداری آنان، می‌تواند به عنوان سرمایه انسانی ارزشمند، تأثیر قابل توجهی در تربیت نسلهای آینده و تربیت معلمان توانمند در حوزه معنویت و اخلاق داشته باشد.

بر این اساس، توصیه می‌شود چارچوب آموزشی کرامت انسانی در برنامه‌های آموزشی دروس تفسیر موضوعی قرآن یا اخلاق اسلامی دانشگاهها و مؤسسات آموزشی، به ویژه دانشگاه فرهنگیان گنجانده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعه‌های آتی به بررسی اثرات بلندمدت این برنامه و نقش آن در سلامت روان و عملکرد اجتماعی دانشجویان بپردازند. در

نهایت، بهره‌مندی از این مدل آموزشی در سایر گروه‌های سنی و حرفه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز گسترش فرهنگ دینداری متعالی همراه با سلامت روان و کرامت انسانی باشد.

محدودیتها

با وجود طراحی دقیق و اجرای منسجم برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی»، این پژوهش همچون سایر مطالعات تجربی، با محدودیت‌هایی مواجه بود که توجه به آنها در تحلیل و تعمیم نتایج ضروری است و رفع آنها برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

محدودیت در طول دوره پیگیری: نتایج پژوهش بر اساس ارزیابی‌های کوتاه‌مدت پس از اجرای مداخله، استخراج شده است. عدم وجود ارزیابی‌های پیگیری موجب شده است تا پایداری و تداوم تغییرات در متغیرهای مورد بررسی به درستی سنجیده نشود.

محدودیت ابزار سنجش مؤلفه‌های معنوی: اگرچه از ابزارهای استاندارد برای اندازه‌گیری پایبندی مذهبی و تصور از خدا استفاده شده، اما این مفاهیم دارای عمق‌های معنوی و وجودی‌اند که ممکن است در قالب ابزارهای خودسنجی به طور کامل منعکس نشوند.

تشکر و قدردانی

از استاد محترم جناب آقای دکتر محمود آزادی، سرکار خانم دکتر منیره صالحی و تمام دانشجو معلمان پردیس شهید هاشمی نژاد دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی که در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آزادی، محمود؛ مسعود آذربایجانی، محمدصادق شجاعی و سیدکاظم رسولزاده طباطبایی (۱۳۹۸). «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در بررسی مفهوم کرامت بر پایه منابع اسلامی». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۸۰: ۵۱۲-۴۹۷.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق). *لسان العرب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- اسپیلکا، برنارد؛ رالف دلیو هود، بروس هونسیرگر و ریچارد گرساچ (۱۳۹۰). *روان‌شناسی دین: براساس رویکرد تجربی*. ترجمه محمد دهقانی. تهران: رشد.
- امیدی، احد؛ محمد فرهوش، محمدرضا احمدی، رقیه افتخار (۱۳۹۹). «نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبکهای دل‌بستگی با رضایت از زندگی». *روان‌شناسی فرهنگی*، ۴(۱): ۸۱-۱۰۳.
- انصاری، حسن و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۵). «بررسی ارتباط خودپنداره با خداپنداره در درمان مذهبی (معنوی) اختلالات روانی». *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۰(۱۹): ۱۳۴-۱۱۹.
- توکل، مجید و ناهید توکل (۱۴۰۱). «کارکردهای گروه معارف اسلامی در آموزش سلامت معنوی: یک مطالعه کیفی». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۶(۹۱): ۴۳۶-۴۱۹.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸). «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه». *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۳(۵): ۱۰۵-۷۹.
- جان‌بزرگی، مسعود و سید محمد غروی (۱۳۹۵). *اصول روان‌درمانگری و مشاوره با رویکرد اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمالی راد، فهیمه؛ محمود آزادی، منیره صالحی، جعفر طالبیان شریف و علی‌ه رضاداد (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر کرامت‌درمانی معنوی اسلامی بر افسردگی و سازگاری زوجی زنان آسیب‌دیده از پیمان‌شکنی همسر». *زنان و خانواده*، ۱۸(۶۴): ۲۶۵-۲۴۳.
- جمالی راد، فهیمه؛ علی‌ه رضاداد، منیره صالحی و محمود آزادی (۱۴۰۳). «بررسی اثربخشی کرامت‌درمانی گروهی معنوی اسلامی بر تنظیم‌شناختی-هیجان و رضامندی زناشویی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۸(۹۹): ۱۴۷-۱۷۰.
- جمالی راد، فهیمه؛ علی‌ه رضاداد، منیره صالحی و محمود آزادی (۱۴۰۴). *کرامت انسانی در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی*. مشهد: فرا انگیزش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶). *کرامت در قرآن*. قم: مرکز نشر فرهنگی رجا.

- حسنوند، امین (۱۴۰۰). «بررسی نقش اعتقادات دینی بر سلامت روان و جسم: یک مطالعه مروری». *اسلام و سلامت*، ۶(۲): ۹۸-۹۱.
- حسینی رامشه، سید سعید؛ حمیدرضا سروریان و محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۴۰۱). «ضرورت تدوین تفسیر تربیتی در دروس معارف اسلامی با نگاه به روش‌شناسی، مبانی و قواعد آن». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۶(۹۳): ۹۸۲-۹۶۵.
- دهقانی‌زاده، عادل (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی کرامت‌درمانی معنوی اسلامی بر خودشفقت‌ورزی و حرمت خود در نوجوانان تک‌سرپرست شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مشهد: مؤسسه آموزش عالی حکمت رضوی.
- سرآبادانی تفرشی، لیلا و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۷). «رابطه خداپنداره (تصورپردازی ساختگی از خدا) و تحول روانی- معنوی با افسردگی، اضطراب و استرس در دانشجویان». *پژوهشنامه روان‌شناسی مثبت*، ۴(۳): ۴۵-۵۶.
- فیض‌آبادی، سلیمه و زهره خسروی (۱۳۸۸). «سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان». *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵(۳): ۳۷-۵۴.
- قاسم‌پور، عرفانه؛ الهه قاسم‌پور و احمد ملکی‌پور (۱۳۹۶). «مطالعه برنامه درسی اجراشده و کسب‌شده دروس عمومی معارف اسلامی در آموزش عالی با تأکید بر روش آمیخته». *پژوهشهای کیفی در برنامه درسی*، ۳(۶): ۱۱۲-۸۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۱). *تفسیر المیزان*. قم، اسماعیلیان.
- عزیزی، سمیه؛ کاظم رسول‌زاده طباطبایی و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۸). «مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) با درمان شناختی-رفتاری (CBT) بر افسردگی دانشجویان با توجه به سطح تحول روانی-معنوی آنها (مطالعه موردی)». *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱۰(۳۵): ۱۷۲-۱۴۷.
- مانوکیان، آرپی؛ مهسا زکی‌نژاد، علیرضا نیکبخت نصرآبادی، حجت شمشیری و احمدرضا سوزان (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر کرامت‌درمانی بر احساس کرامت بیماران مبتلا به سرطان». *پژوهش پرستاری ایران*، ۱۵(۲): ۸۳-۷۶.
- منصور، زهرا؛ محمود آزادی و جعفر طالبیان شریف (۱۴۰۳). «اثربخشی کرامت‌درمانی معنوی اسلامی بر روی افسردگی و اضطراب مرگ بیماران دیالیز». *سلامت معنوی*، ۳(۱): ۳۱۷-۳۲۶.
- میری، سید محمدحسین و فضل‌الله خادمی افضل (۱۳۹۸). «بررسی و نقد دیدگاه آبراهام مزلو در مورد خودشکوفایی با تأکید بر منابع اسلامی». *مطالعات تفسیر تطبیقی*، ۴(۷): ۷۸-۵۷.

بررسی اثربخشی برنامه آموزشی «کرامت انسانی در پرتو...» ۱۳۳

- نصیرزاده، راضیه؛ سید کاظم رسولزاده طباطبایی و نرجس عرفانمنش (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه مفهوم خداوند در روان‌شناسی و دین». *روان‌شناسی*، ۲۸(۴): ۵۵-۶۵.
- یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا و مصطفی رستمی (۱۴۰۱). «بررسی وضعیت موجود ماهیت عناصر ده‌گانه برنامه درسی دروس معارف اسلامی». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۶(۹۳): ۸۸۱-۸۹۸.
- Azizi Moein, M.; M. Janbozorgi & G. Sharifirad (2023). "Examining the structural model of the relationship between God concept and mental health with the mediating role of psychological-spiritual transformation". *Health Spiritual Med Ethics*, 10(3): 153-162.
- Braam, A.W.; H.B. Schaap-Jonker, B.C. Mooi, D. de Ritter, A.T.F. Beekman & D.J.H. Deeg (2008). "God image and mood in old age: Results from a community based pilot study in the Netherlands". *Health, Religion & Culture*, 11(2): 221-237.
- Chochinov, H.M.; B. Cann, K. Cullihall, L. Kristjanson, M. Harlos, S.E. McClement & T. Hassard (2011). "Dignity therapy: A feasibility study of elders in long-term care". *Palliative & Supportive Care*, 10(1): 3-15.
- Fitchett, G.; L. Emanuel, G. Handzo, L. Boyken & D.J. Wilkie (2015). "Care of the human spirit and the role of dignity therapy: A systematic review of dignity therapy research". *BMC Palliative Care*, 14(1): 1-12.
- Rizzuto, A.M. (1979). **The birth of the living God: A psychoanalytic study**. Chicago: University of Chicago Press.
- Vishkin, A.; P. Ben-Nun Bloom, S.H. Schwartz, N. Solak & M. Tamir (2019). **Religiosity and emotion regulation**. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 50(9): 1050-1074.
- Ansari, Hassan & Masoud Janbozorgi (2016). "Examining the Relationship Between "Self-Concept" and "God-concept" in Religious (Spiritual) Treatment of Mental Disorders". *Studies in Islam and Psychology*, 10 (19): 119-134. [In Persian]
- Azadi, Mahmoud; Masoud Azarbajani, Mohammad Sadegh Shojaei & Seyed Kazem Rasoulzadeh Tabatabaei (2019). "Application of the Semantic Field Theory in Examining the Concept of Dignity Based on Islamic Sources". *Cognitive Studies in Islamic University*, 80: 497-512. [In Persian]
- Azizi, Somayyeh; Kazem Rasoulzadeh Tabatabaei & Masoud Janbozorgi (2019). "A Comparative Study of the Efficacy of Acceptance and Commitment Therapy (ACT) versus Cognitive-Behavioral Therapy (CBT) on Depression among Students

- Considering Their Psychological-Spiritual Development Level (Case Study)". *Clinical Psychology Studies*, 10(35): 147-172. [In Persian]**
- Dehghani Zadeh, Adele (2022). **The Effectiveness of Spiritual Islamic Dignity Therapy on Self-Compassion and Self-Respect among Single-Parent Adolescents in Mashhad**. Master's Thesis. Mashhad: Hakamat Razavi Institute of Higher Education. [In Persian]
 - Feyz Abadi, Salimeh & Zohreh Khosravi (2009). **"Attachment style and God imagery among women desiring divorce and those not desiring divorce in Kashan County"**. *New Educational Thoughts*, 5(3): 37-54. [In Persian]
 - Ghasempour, Erfaneh; Elahe Ghasempour & Ahmad Maleki Pour (2017). **"A study of implemented and acquired curricula of Islamic religious studies in higher education with emphasis on the blended method"**. *Qualitative Research in Curriculum Studies*, 3(6): 88-112. [In Persian]
 - Hasanvand, Amin (2021) **"The Role of Religious Beliefs in Mental and Physical Health: A Review Study"**. *Journal of Islam and Health*, 6(2): 91-98. [In Persian]
 - Hosseini Rameshe, Seyed Saeid; Hamidreza Sarvarian & Mohammad Ali Rezaei Esfahani (2022). **"The Necessity of Developing a Pedagogical Exegesis in Islamic Studies Courses with Regard to Methodology, Fundamentals, and Rules"**. *Cognitive Studies in Islamic University*, 26(93): 965-982. [In Persian]
 - Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokram (1987). **Lisan al-Arab**. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Persian]
 - Jamali Rad, Fahimeh; Mahmoud Azadi, Monireh Salehi, Jafar Talebiyan Sharif & Aliyyeh Rezadad (2023). **"Examining the Effect of Spiritual Islamic Therapeutic Dignity on Depression and Marital Adjustment of Women Victims of Infidelity"**. *Culture-Education of Women and Family*, 18(64): 243-265. [In Persian]
 - Jamali Rad, Fahimeh; Aliyyeh Rezadad, Monireh Salehi & Mahmoud Azadi (2025). **Human Dignity in Light of the Quranic Teachings and Psychology**. Mashhad: Fara Angizesh. [In Persian]
 - Jamali Rad, Fahimeh; Aliyyeh Rezadad, Monireh Salehi & Mahmoud Azadi (2024). **"Investigating the Effectiveness of Group Spiritual Islamic Dignity Therapy on Cognitive-Emotional Regulation and Marital Satisfaction among Student Teachers at Farhangian University of Khorasan Razavi"**. *The knowledge Studies in Islamic University*, 28(99): 147-170. [In Persian]
 - Janbozorgi, Masoud. (2009). **"Construction and Validation of a Religious Adherence Test Based on Qur'an and Nahj al-Balagha**

- Propositions"**. *Studies in Islam and Psychology*, 3(5): 79-105. [In Persian]
- Janbozorgi, Masoud & Seyed Mohammad Gharavi (2016). **Principles of Psychotherapy and Counseling with an Islamic Approach**. Qom: Research Institute of Field and University. [In Persian]
 - Javadí Amoli, Abdulllah (1987). **Dignity in the Quran**. Qom: Center for Cultural Publication of Raja. [In Persian]
 - Manoukian, Arpi; Mahsa Zakinezhad, Alireza Nikbakht Nasrabadi, Hojjat Shamshiri & Ahmad-Reza Suzān (2020). **"Investigating the effect of dignity therapy on the sense of dignity in cancer patients"**. *Iranian Nursing Research*, 15(2): 76-83. [In Persian]
 - Mansouri, Zahra; Mahmoud Azadi & Jafar Talebiyan Sharif (2024). **"The effectiveness of Islamic Spiritual Dignity Therapy on depressive symptoms and death anxiety in dialysis patients"**. *Spiritual Health*, 3(1): 317-326. [In Persian]
 - Miri, Seyed Mohammad Hossein & Fatholallah Khademi Afzal (2019). **"Reviewing and critiquing Abraham Maslow's view of self-actualization with an emphasis on Islamic sources"**. *Comparative Interpretation Studies*, 4(7): 57-78. [In Persian]
 - Nasirzadeh, Razieh; Seyed kazem Rasoulzadeh Tabatabaei & Narges Erfanmanesh (2014). **"Examining the psychometric properties of the God concept questionnaire in psychology and religion"**. *Psychology and Religion*, 28(4): 55-65. [In Persian]
 - Omidi, Ahad; Mohammad Farhoush, Mohammadreza Ahmadi & Roghayyeh Eftekhari (2020). **"The Mediating Role of God Imagery in the Relationship Between Attachment Styles and Life Satisfaction"**. *Cultural Psychology*, 4(1): 81-103. [In Persian]
 - Sarabadani Tafreshi, Leila & Masoud Janbozorgi (2018). **"The Relationship between God-concept (Imagined Conception of God) and Psychological-Spiritual Transformation with Depression, Anxiety, and Stress among Students"**. *Positive Psychology Research Journal*, 4(3): 45-56. [In Persian]
 - Tabatabaei, Seyed Mohammad Hossein (1992). **Tafsir al-Mizan**. Qom: Ismailiyyan. [In Persian]
 - Tavakkol, Majid & Nahid Tavakkol (2022). **"Functions of the Islamic Knowledge Group in Teaching Spiritual Health: A Qualitative Study"**. *The knowledge Studies in Islamic University*, 26(91): 419-436. [In Persian]
 - Yousef-zadeh qasri, Mohammadreza & Mostafa Rostami (2022). **"An analysis of the current status of the ten elements in the curriculum of**

۱۳۶ ✦ فصلنامه علمی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۰۴

Islamic studies courses". *Cognitive Studies in Islamic University*,
26(93): 881-898. [In Persian]

